

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۲۱، پاییز ۱۴۰۱، ص ۲۸۰-۳۰۹

بررسی وضعیت حقوقی مجروحان و بیماران جنگی در مخاصمات مسلحانه بین المللی

دکتر شیرزاد امیری^۱

رضا حسین پور^۲

چکیده

جامعه جهانی به جایی رسیده است که تحریم های جنگی حداقل در سال های آینده موفقیت آمیز نخواهد بود. بنابراین تصمیم بر آن شد که با جنگ به عنوان یک واقعیت دنیای کنونی کنار بیایم و تلاش خود را بر کاهش درد و رنج ناشی از آن متمرکز کنیم. به این ترتیب، این ایده که حتی جنگ ها نیز باید تحت محدودیت قرار گیرند، مطرح شد تا اینکه در قرن گذشته، نحوه رفتار و اجرای عملیات های جنگی طرف های درگیری به یکی از دغدغه های اصلی قوانین جنگ تبدیل شد.

واژگان کلیدی: مجروحان، بیماران جنگی، مخاصمات مسلحانه.

^۱ - استادیار گروه حقوق، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران، shirzadamiri@gmail.com

^۲ - کارشناس ارشد حقوق بین الملل

مقدمه

از آنجاکه از زمان پیدایش جوامع بشری همواره جنگ نیز وجود داشته و حقوق افراد در این میان از بین رفته و ضایع شده است در ادوار تاریخ برخی همواره به فکر ایجاد قوانین برای حمایت از این افراد بوده اند و در قرون اخیر سازمانهای برای حمایت از افسار آسیب پذیر شکل گرفته اند اما همچنان به دلایل گوناگون این حقوق یا اجرا نمی شود یا ضمانت اجرایی مناسبی از سوی قانون گذار بیان نشده است. همواره حقوق مجروحان و افسار آسیب پذیر یک جدال عقیدتی بین صاحب نظران بوده است. اختلاف نظر در این باب بعضا به حدی است که حتی موجودیت واعی آن را مورد سوال قرار می دهد برخی از دانشمندان حقوق این افراد را قبول ندارند و ضرورت آن را مورد انکار قرار می دهند. از سوی دیگر همیشه این اعتراض وجود داشته و دارد که قوانین افراد مورد آسیب دیده در جنگ و حتی حقوق جنگ نقض شده و خواهد شد. که یکی از این قوانین و قراردادهای عهدنامه های مربوط به حقوق مجروحان و بیماران و در کل افراد آسیب پذیر در مخاصمات مسلحانه می باشد (روسو؛ ۱۳۹۳: ۴۰-۳۹).

صادقی (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان رفتار با غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه و نقش حقوقی سازمانهای حمایتی از این افراد انجام داد. در این پژوهش به معرفی و بررسی وضعیت حقوقی غیر نظامیان توسط سازمانهای مربوطه که اکثریت قربانیان مخاصمات مسلحانه را تشکیلا می دهند پرداخته شده است. از آنجا که مخاصمات مسلحانه تحت مجموعه حقوق بشر دوستانه بررسی می شود سعی بر آن شده به معرفی این رشته حقوق و تمایز آن با حقوق بشر پرداخته شود و همچنین نقش حقوقی سازمانهای حمایتی چون یونیسف و یونسکو و... پرداخته می شود.

تعاریف

تعریف جنگ

از زمانی که تاریخ مستند در دست است، یعنی از حدود چهارهزار سال پیش از میلاد مسیح تاکنون جنگ مهم ترین وسیله ارتباط میان ملت ها بوده است. بروز جنگ ها، تلفات انسانی و مالی به بار آورده است.

جنگ (جنگ انسان یا قومی با قوم دیگر) بر خلاف آنچه مورخان و محققان تاریخ اندیش می پنداشته و می پندارند، از قوانین طبیعی نیست. اگر در زیست حیوانی، جنگ قانون طبیعی است، در زیست انسانی چنین نمی باشد، زیرا انسان توانسته در طول تاریخ با وضع قیود و قوانین ناظر بر خشونت ها اصل تنازع بقا را تلطیف بخشد و قوانین طبیعی را تحت تأثیر قوانین مدون و مترقی قرار دهد. به عبارت دیگر، هنگامی که حقوق بین الملل جدید پدیدار شد، مهمترین وظیفه قانون طبیعی سلب گردید. جنگ یک پدیده اجتماعی است که می توان آن را از دیدگاه های تاریخی، جامعه شناسی، فلسفی، اخلاقی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، و حقوقی و غیره مورد بررسی قرار داد. جنگ را از دید حقوق بین الملل نیز می توان مطالعه کرد چرا که جنگ به عنوان یکی از شیوه های اعمال قدرت و توسل به زور در مناسبات بین المللی، اقدام مسلحانه ای است که در چارچوب روابط میان کشورها

صورت می گیرد و هدف عمده آن تحمیل اراده متضمن بیش خاص یک یا چند کشور دیگر است. (مانند تحمیل بیش های سیاسی نازیسم و فاشیسم توسط آلمان و ایتالیا در جنگ جهانی دوم) و موجب قواعد خاصی در کل مناسبات آنها با یکدیگر و نیز با کشورهای ثالث می شود. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲، ۲۲)

واژه جنگ به معنای زد و خورد بین قوای منظم دول به قصد غلبه و یا دفاع تعریف شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۲۰۰)

جنگ یکی از جلوه های بارز توسل به زور^۳ است. فرهنگ اصطلاحات بین الملل توسل به زور را به دو صورت مضیق و موسع تعریف کرده است. توسل به زور در مفهوم نخست عبارت از هر گونه عملیات قهر آمیزی که نتوان آن را اقدامی نظامی قلمداد کرد. اما در مفهوم دوم، کلیه تدابیر و عملیات نظامی، از جمله جنگ را نیز شامل می شود. جنگ به عنوان «ابزار سیاست ملی» مجموعه عملیات و اقدامات قهر آمیز مسلحانه ای است که در چارچوب مناسبات کشورها روی می دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آنها با یکدیگر و هم چنین با کشورهای ثالث می شود. در این جهت، حداقل یکی از طرفین مخاصمه درصدد تحمیل نقطه نظرهای سیاسی خویش بر دیگری است. به این ترتیب عملیات قهر آمیز مسلحانه، وسیله و هدف تحمیل اراده مهاجم است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۹۴)

مفهوم حقوقی جنگ شامل چهار عنصر یا رکن اساسی است: عنصر تشکیلاتی و سازمانی «کشورها»، عنصر مادی (اعمال قدرت مسلحانه)، عنصر معنوی یا روان شناختی (قصد و نیت جنگ) و سرانجام هدف دار بودن جنگ (منافع و مصالح ملی). (بنی عامریان، بابازیدی، ۱۳۹۳، ۶۵)

یکی از عناصر اساسی سازنده مفهوم حقوقی جنگ، عنصر تشکیلاتی و سازمانی یعنی «کشورها» می باشد. جنگ مستلزم نبرد نیروهای مسلح کشورها با یکدیگر است. از این رو جنگ به عنوان نوعی رابطه کشور با کشور تلقی می شود.

این عقیده مخصوصاً از سوی «ژان ژاک روسو» در کتاب قرارداد اجتماعی ابراز شده است: «جنگ به هیچ وجه رابطه انسان با انسان نیست.» بلکه رابطه کشور با کشور است که در آن افراد نه به عنوان انسان و یا حتی تبعه، لیکن به مثابه شهروندان و مدافعان و تنها بر حسب تصادف و اتفاق با یکدیگر دشمن شده اند.

نتیجتاً جنگ داخلی حداقل تا زمانی که مسئله شناسایی به عنوان متخاصم پیش نیامده باشد جنگ به مفهوم خاص کلمه نیست. در مخاصمات داخلی، اصولاً قواعد حقوقی داخلی حاکم است. با این حال، عهدنامه های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل های الحاقی آنها در ۱۹۷۷، اجرای برخی قواعد جنگ را که دیدگاه هایی بشردوستانه دارند، برای جنگ های داخلی که در قلمرو کشورهای متعاهد روی می دهد پذیرفته اند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴، ۴۶)

^۳ Use of force

عنصر دیگر جنگ، عنصر مادی است و آن اعمال قدرت یا خشونت مسلحانه واقعی و عملی می باشد. به عبارت دیگر، جنگ همواره با عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه ای همراه است که توسط نیروهای مسلح کشورهای متخاصم و تحت فرماندهی، اقتدار و مسئولیت آنها صورت می گیرد.

«جنگ بدون اعمال خشونت و عدم استفاده از نیروی اسلحه، یک جنگ فرضی و خیالی است و معنی و مفهوم جنگ و آثار واقعی آن را فاقد است. اصطلاح «جنگ سرد»^۴ که حالات گوناگون برخورد های عقیدتی میان شرق و غرب را پس از جنگ جهانی دوم نشان می دهد مفهوم حقوقی جنگ را ندارد.

«حقوق بین الملل مشخص نمی کند که عملیات قهرآمیز مسلحانه باید در چه سطحی باشد تا جنگ تلقی شود. به طور کلی و از حیث حقوقی، هر چند اعمال خشونت و توسل موثر و واقعی به اسلحه در اصل برای ایجاد یا شروع جنگ لازم است، اما ممکن است با قطع خشونت و یا قطع عملیات جنگی که معمولاً در ابتدا به صورت آتش بس^۵ تجلی می یابد، جنگ خاتمه پذیرد و حالت جنگ باقی بماند. این وضعیت حقوقی در طول اجرای معاهده متارکه وجود خواهد داشت زیرا معاهده متارکه مقدم بر معاهده صلح می باشد. آتش بس و معاهده متارکه موجب توقف نبرد و پایان مخاصمات جنگی است، اما حالت جنگ کماکان برقرار است و با انعقاد معاهده صلح بین طرفین متخاصم قطع می شود. (منصوری، ۱۳۹۴، ۵۷)

عنصر سوم جنگ، عنصر معنوی یا روان شناختی است که در واقع همان قصد و اراده مبادرت به جنگ است. مبارزه مسلحانه را هنگامی می توان جنگ تلقی کرد که کشورهای ذینفع یا حداقل یکی از طرفین درگیر در جنگ، آن را جنگ بدانند. جنگ مبتنی بر اراده قطعی و خلل ناپذیر عامل یا عاملان آن است. جنگ بدون قصد و نیت معنی ندارد. به طور کلی قصد جنگ باید به صورت صریح و با اعلان جنگ همراه باشد. ضرورت اعلان جنگ در کنفرانس های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ مورد تأکید کشورهای امضاء کننده معاهدات قرار گرفت و در معاهده سوم و چهارم لاهه گنجانیده شد. با این حال مواردی وجود داشته که جنگ بدون اعلان جنگ آغاز شده است، از جمله حمله و تجاوز نظامی عراق به ایران در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰. (منصوری، ۱۳۹۴، ۵۷)

عنصر چهارم جنگ، مشخص بودن جهت و غایت جنگ است. یعنی کشور آغازگر جنگ هدفی معین و نهایی دارد که همواره در صدد پیگیری و نیل به آن هدف است. این هدف، معمولاً تحمیل یا قبولاندن یک نقطه نظر سیاسی و یا به عبارت روشن تر یک منظور و هدف ملی است. در واقع، کشور مهاجم مدعی است جنگی که آغاز کرده بر اساس «منافع و مصالح ملی» بوده است. اما سوالی که مطرح می شود این است: منافع و مصالح ملی کدامند و بر چه پایه ای استوار هستند؟ «افلاطون و ارسطو جنگ را به عنوان یکی از وسایل نیل اهداف سیاسی می شمردند و هنر جنگ را جزئی از هنر حکومت می دانستند.» «هگل نیز در فلسفه تاریخ با ذکر مثال های بسیار به

۴. Cold war

۵. Cease-Fire

این نتیجه رسیده است که سیاست، جنگ‌ها را بر می‌انگیزد و ارتش‌ها این جنگ‌ها را انجام می‌دهند.» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴، ۴۷)

طرفداران مکتب حقوق عینی، از جمله «ژررسل» با در نظر داشتن همین عنصر از تعریف، جنگ را توسل به نیروی مادی به منظور تغییر دادن نظام‌های حکومتی در جامعه بین‌المللی می‌دانند. از دید برخی دانشمندان حقوق بین‌الملل، از جمله کلسن و گوگنهایم، هدف از جنگ، دفاع از حقوق شخصی بین‌المللی است که یا نقض شده و یا شدیداً مورد تهدید قرار گرفته است. این عده معتقدند کشورهایی که مبادرت به جنگ می‌نمایند تصمیم خود را چنین توجیه می‌کنند که قلمرو اقتدارات حقوقی شان مورد تجاوز قرار گرفته و یا حقوق بنیادین آنها نقض شده است. (جعفری، ۱۳۹۵، ۷۰)

«از دید سایر دانشمندان مخصوصاً آلمانی‌ها و ایتالیایی‌ها، جنگ یک شیوه دفاع از منافع واقعی است.» به طور خلاصه این اهداف می‌تواند با عنوان اهدافی در جهت منافع و مصالح ملی و یا اهداف قانونی قلمداد شوند: کشورگشایی، دفاع مشروع، حمایت از منافع واقعی و بالاخره تغییر شرایط حقوقی. به هر حال هنگامی که جنگ فاقد خصیصه ملی باشد و به عنوان «ابزار سیاست ملی» محسوب نگردد، دیگر واجد مفهوم خاص خود نیست. فرضاً عملیات نظامی جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را نمی‌توان جنگ نامید. (منصوری، ۱۳۹۴، ۵۸)

مجروحان جنگی

عصر رنسانس از مهمترین دوره‌ای است که به عصر روشنگری در زمینه حقوق بشر دوستانه و احترام به افراد در مخاصمات مسلحانه معروف می‌باشد. از مهمترین اندیشمندانی که در این زمینه فعالیت‌های را انجام داده‌اند می‌توان به جان لاک و ژان ژاک روسو و هانری دونان نام برد. جان لاک فیلسوف انگلیسی با ارایه نظرات حقوق طبیعی به این امر اعتقاد داشت که انسان به جهت خلقت و خوی انسانی خود قدرت حاکمیت بر خود را داشته و لذا از این طریق دارای یک حقوق فطری بوده و محدوده این حقوق تا جلیبی است که موجب تضییع حقوق دیگران نشود (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۴، ۱۲۷)

ژان ژاک روسو نیز با کتاب قرارداد اجتماعی خود تحولی بنادین در زمینه حقوق بشر دوستانه ایجاد نمود او می‌گوید: ایجاد جنگ در نتیجه روابط انسان‌ها نبوده بلکه تضاد منافع یک دولت لا دولت دیگران را به وجود می‌آورد و در این جنگ‌ها تمام سربازان بطور اتفاقی باهم دشمن شده‌اند. هنگامیکه جنگ تمام شود آنها هیچ دشمنی باهم ندارند آنها سربازانی بودند که برای دفاع از خود جنگیده‌اند اما در اصل هر دوی آنها هموطن بوده‌اند و یکدیگر را دوست می‌داشتند (روسو، ۱۳۹۳، ۱۲۸)

روسو در ادامه به برخی از قواعد لازم‌الاجرا در جنگ مانند حفاظت از جان اسرا و غیر نظامیان لزوم حفظ جان افاد بعد از ترک مخاصمه و سایر قوانین و مقررات اشاره می‌کند این افکار در بوجود آمدن انقلاب کبیر فرانسه

در سال ۱۷۸۹ تاثیر بسزایی داشته و در تدوین قانون اساسی فرانسه بعنوان آزادترین و مردم سالارانه‌ترین قانون اساسی نقش مهم و اساسی را ایفا نمود. اما اوج تدوین حقوق دوستانه و ظهور حقوق بین الملل بشر دوستانه به شیوه مدرن و فعلی به سال ۱۸۵۹ و به جنگی که میان سربازان فرانسوی و اتریش در شمال ایتالیا و در محلی تحت عنوان سولفرینو روی داد باز می‌گردد این جنگ در مدت کوتاهی در حدود سی و شش هزار نفر مجروح داشته که بدون هیچ گونه مراقبتی در وسط میدان جنگ رها شده و با مرگ و زندگی دست و پنجه نرم می‌کردند و هیچ کس ب فکر درمان و یا انتقال این مجروحان به پشت جبهه نبوده است در همین حال یک بازرگان جوان سوئیس به نام هانری دونان که ار دیدن این صحنه رقت انگیز بسیار متاثر شده بود به کمک افراد محلی یک حرکت امدادی برای نجات مجروحین و افراد غیرنظامی و انتقال آنها به پشت میدان نبرد آغاز کرد این امر موجب گردید که هانری دونان در بازگشت به کشور خود در کتابی تحت عنوان "خاطرات سولفرینو" به بیان مشاهدات خود از جنگ مذکور پرداخته و برای کاهش سختی‌ها و آلام جنگ و خونریزی پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه نماید: تاسیس یک جمعیت امدادی داوطلب در هر کشوری که در زمان صلح آموزش‌های لازم و متناسب در جهت حمایت از مبانی حقوقی حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و از بیمارستان‌های نظامی و پرسنل امدادی و درمانی اجماع نماید. متناسب در جهت حمایت از مبانی حقوقی حمایت از بیمارستان‌های نظامی و پرسنل امدادی و درمانی و اقشار آسیب‌پذیر اجماع نمایند (طاهری جلی، ۱۳۹۵، ۹۵)

پیشنهاد اول دونان منجر به تشکیل صلیب سرخ جهانی (هلال احمر) در ۱۷ فوریه ۱۸۶۳ گردید و پیشنهاد دوم نیز منجر به تصویب کنوانسیونهای ژنو گردید. کنوانسیونهای لاهه در سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ به تصویب برخی از کشورهای جهان رسیده و کنوانسیونهای ژنو در سالهای ۱۹۴۹ و دو پروتوکل الحاقی به آن در سال ۱۹۷۷ مصوب گردید که در واقع این دو کنوانسیون حلقه اتحاد و ارتباط میان قوانین بش دوستانه و قوانین جنگ می‌باشد. آمارها نشان می‌دهد که در حدود ۸۰ درصد از جانباختگان جنگ‌ها و مخاصمات مصلحانه بعد از جنگ جهانی دوم را افراد غیر نظامی آسیب‌پذیر تشکیل می‌دهند این آمارها بسیار تکان دهنده است افزایش برد توپخانه‌ها موشک‌ها هواپیماها نظامی و گسترش تولید سلاح‌های کشتار جمعی جامعه بین المللی را به گسترش اعمال حقوق بین الملل بشر دوستانه و ایجاد نهادهای تشکیل این حقوق به نفع غیر نظامیان و اقشار آسیب‌پذیر و وضع قوانین و مقررات برای حمایت از آنها واداشته است میزان تلفات در جنگ جهانی اول حدود ۲۴ میلیون نفر بوده است که این فاجعه در جنگ جهانی دوم نیز تکرار شد این عوامل سبب حرکت کشورها به سمت وضع قوانین بین المللی در خصوص حقوق لاهه و حقوق بشر و ایجاد نهادهای حمایتی چون یونسف و یونسکو گردیده است که اوج این اقدامات وضع قوانین حقوق جنگ موسوم به حقوق لاهه و حقوق بشر دوستانه موسوم به حقوق ژنو و ایجا سازمانهای ذکر شده می‌باشد. (طاهری جلی، ۱۳۹۵، ۹۵)

یافته های تحقیق

حقوق بشر دوستانه در مخاصمات مسلحانه

در حال حاضر، وقوع مخاصمات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی اجتناب ناپذیر است و حیات بشری و کرامت او را بشدت تهدید می نماید، در این راستا توجه بیشتر به قواعد مقررات حقوق بین الملل بشر دوستانه و رعایت دقیق آنها در مخاصمات مسلحانه امری ضروری و حیاتی است چرا که حقوق بین الملل بشر دوستانه از لحاظ تاریخی شامل حقوق لاهه و حقوق ژنو می باشد اما امروزه، این حقوق به صورت مجموعه واحد در نظر گرفته می شود یعنی به طور همزمان هم شامل حقوق لاهه است و هم شامل حقوق ژنو، تصویب پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷ بیانگر این مطلب است. حقوق بین الملل بشردوستانه (که با عنوان حقوق جنگ هم شناخته می شود) یکی از شاخه های حقوق بین الملل است. حقوق بین الملل بشردوستانه در بردارنده دو مفهوم اصلی است: اول اینکه اعلام می کند که هنگام در گرفتن درگیری مسلحانه، حق دولتها در انتخاب روشها و سلاحهای جنگی نامحدود نیست و آنها فقط می توانند از آن دسته از روشها و سلاحهای جنگی استفاده کنند که رنج زاید و غیرانسانی ایجاد نکنند؛ دوم اینکه، از حیات، سلامت و کرامت انسانهایی که در درگیری مشارکت نکرده یا به مشارکت خود در درگیری پایان داده اند (شامل غیرنظامیان، اسیران جنگی، مجروحان و بیماران) حمایت می کند. براساس این دو هدف در گذشته حقوق بین الملل بشردوستانه از دوشاخه جداگانه تشکیل می شد: (جعفری، ۱۳۹۵، ۷۶)

۱: حقوق لاهه: مجموعه مقرراتی که عموماً "شهر لاهه تنظیم شدند و هدفشان این بود که حق دولتها را در انتخاب روشها و سلاحهای جنگی محدود کنند. نمونه این اسناد معاهدات مصوب ۱۸۹۹ و ۱۹۰۸ لاهه.
۲: حقوق ژنو: مجموعه مقرراتی که عموماً در شهر ژنو تنظیم شدند و هدفشان حمایت از افرادی بود که در درگیری های مسلحانه شرکت نکرده یا به مشارکت خود در درگیری ها پایان داده اند. مهم ترین این اسناد، کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ هستند.

اما با تدوین پروتکل های الحاقی به کنوانسیون های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۷۷ که همزمان هر دو گونه مقررات را در خود جای دادند، این تفکیک از میان رفت. رویدادها و تحولات بین المللی ضمن اینکه واحدهای سیاسی را تحت تاثیر خود قرار می دهد. بر دانش حقوقی نیز تاثیر گذار می باشند. یعنی در واقع پویایی حقوق به پیروی از تحولات و وقایع بین المللی صورت می گیرد. هم اکنون این پویایی به تحول گسترده ای در روابط بین المللی منجر گشته و حقوق که بر این روابط نیز بیش از پیش گسترش یافته است و در جهت تکامل آن سیر می کند. حقوق بین الملل بشر دوستانه از طرفی شاخه ای از حقوق بشر است و از طرفی دیگر شاخه ای از حقوق جنگ یا مخاصمات بین المللی است. حقوق بین المللی بشر دوستانه بنا به تعریف آن، مجموعه قواعد حقوقی بین المللی است که ضمن تعیین حقوق افراد انسانی و کشورها در آن مخاصمات را نیز روشن می کند. در واقع، حقوق بشر دوستانه، حقوق انسانی زمان جنگ است. (حسینی قره تپه، ۱۳۹۵، ۷۷)

این حقوق لازمه الرعايه در زمان جنگ و درگیری مسلحانه از یک سو، ماهیت حقوق بشری دارد. زیرا رعایت آن بدون توجه به رنگ، نژاد، مذهب، زبان و ملیت مورد نظر است و از سوی دیگر چون با انعقاد قرارداد و تصویب کنوانسیون بین دولت های مختلف لازم الرعايه می گردد و تلاش می شود، برخی از مقررات آن جنبه عرف بین المللی پیدا می کند. ماهیت حقوق بین المللی دانسته و می تواند به عنوان شاخه ای از آن مورد بحث قرار گیرد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱، ۴۴)

حقوق بین الملل بشر دوستانه مجموع قواعدی است که به دلایل بشر دوستانه هدف آن محدود نمودن اثرات برخودهای نظامی می باشد. این حقوق از افرادی که در مخاصمات شرکت ندارند حمایت می کند و وسایل و روش های جنگیدن را تحدید و ممنوع می کند. حقوق بین الملل بشر دوستانه همچنین به عنوان حقوق جنگ یا حقوق برخورد های نظامی می باشد. حقوق بین الملل بشر دوستانه قسمتی از حقوق بین الملل است. مبنای قواعدی که بر روابط بین دولت ها می باشد بر این مبنا و اساس، کنوانسیون ها و حقوق و مقررات عرفی و اصولی کلی حقوقی می باشد. که در واقع حقوق بشردوستانه بین الملل قابل اعمال در منازعات بین المللی می باشد. از لحاظ تاریخی، حقوق بین المللی بشر دوستانه، ریشه اش در قواعد مذهبی و مدنی کهن است تدوین جهانی حقوق بین الملل بشر دوستانه در قرن نوزدهم آغاز شد. از آن بعد دولت ها توافق بر سر یک سری از قواعد عملی بر مبنای تجربه های تلخ جنگ نمودند. این قواعد یک نمای دقیق را بین نگرانی های بشر دوستانه و نیازهای نظامی کشورها ایجاد نموده است. (طراز کوهی، ۱۳۸۴، ۷۴)

به موازات ایجاد شده در مورد این مقررات، جامعه بین الملل رشد نمود و تعداد روز افزون کشورها به توسعه این گونه قواعد و حقوق بین المللی بشر دوستانه یاری رسانده. قسمت اصلی حقوق بشر دوستانه در کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ مقرر شده است که تمامی کشورهای جهان الزام به آن را پذیرفته اند. این کنوانسیون ها بوسیله پروتکل های الحاق ۱۹۷۷ در رابطه با حمایت آسیب دیدگان از منازعات سیاسی توسعه و تکمیل شده سایر توافقات را ممنوع کننده استفاده از تسلیحات خاص و تاکتیک های نظامی که از گروه های خاص و معینی از افراد و اشیاء حمایت می کنند. (محمود مسائلی، ۱۳۹۵، ۷۸)

منابع و اصول موجود در زمینه حقوق بشر

این مجموعه قوانین توسط دولت ایالات متحده آمریکا در سال ۱۸۶۳ تصویب شد و هدف آن تنظیم رفتار سربازانی بود که در ایالات متحده درگیر جنگهای داخلی بودند. اما این قانون هم جنبه داخلی داشت و فقط در ایالات متحده قابل اجرا بود و نخستین قانون بشردوستانه مدون و منظمی که از سوی یک دولت برای نیروهای مسلح تدوین شد، مجموعه قوانین لیبرال بود. اما منادی حقوق بین الملل بشردوستانه به مفهوم امروزی آن، یک تاجر سوئسی به نام هنری دونان بود. وی در سال ۱۸۵۹ پس از مشاهده جنگی خونین میان سربازان فرانسه و اتریش در محلی به نام سولفرینو، به شدت تحت تاثیر خشونت و رفتارهای غیرانسانی انجام شده در این جنگ

قرار گرفته و پس از خاتمه جنگ کتابی با عنوان «خاطرات سولفرینو» به رشته تحریر درآورد. او در این کتاب ضمن نکوهش رفتارهای غیرانسانی، پیشنهاد تصویب یک معاهده بین المللی برای کاهش خشونت در جنگها و فراهم آوردن زمینه امداد مجروحان و بیماران جنگها را ارائه داد. او همچنین پیشنهاد کرد که کمیته ای برای به اجرا گذاشتن این معاهده بین المللی ایجاد شود. پیشنهاد اول دونان منجر به تصویب کنوانسیون ژنو ۱۸۶۴ شد که پایه گذار حقوق بین الملل بشردوستانه معاصر بود و پیشنهاد دوم او سنگ بنای تاسیس کمیته بین المللی صلیب سرخ گشت. (عباسی، ۱۳۹۶، ۳۴)

کنوانسیون ژنو ۱۸۶۴ به موضوع بهبود شرایط مجروحان در میدانهای نبرد محدود شد، اما از آن پس دهها معاهده و سند بین المللی با مضامین حقوق بشردوستانه به تصویب دولتها رسید. برخی از مهم ترین معاهدات حقوق بشردوستانه بین المللی عبارتند از:

۱۸۶۸ اعلامیه سن پترزبورگ

۱۸۹۹ کنوانسیون لاهه در مورد رعایت قوانین و عرفهای جنگ زمینی و تطبیق اصول کنوانسیون ژنومصوب ۱۸۶۴ بر جنگهای دریایی ۱۹۰۷ کنوانسیون لاهه برای بازبینی کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه ۱۹۲۵ پروتکل ژنو در مورد منع کاربرد گازهای خفه کننده، سمی یا دیگر گازهای مشابه و روشهای باکتریولوژیک در جنگ ۱۹۲۹ کنوانسیون ژنو در مورد رفتار با اسرای جنگی ۱۹۴۹ کنوانسیون های چهارگانه ژنو، شامل:

- ۱- بهبود شرایط مجروحان و بیماران نیروهای مسلح در میدان نبرد
 - ۲- بهبود شرایط مجروحان، بیماران و کشتی شکستگان نیروهای مسلح در دریا
 - ۳- رفتار با اسرای جنگی
 - ۴- حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ
- ۱۹۵۴ کنوانسیون لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه
- ۱۹۷۷ پروتکل اول و دوم الحاقی به کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ برای حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی

- ۱۹۸۰ کنوانسیون منع یا محدودیت استفاده از سلاحهای خاص معاهده ای
- ۱۹۹۳ کنوانسیون منع تکمیل، تولید، ذخیره سازی و کاربرد سلاحهای شیمیایی و نابود سازی آنها
- ۱۹۹۷ کنوانسیون منع ذخیره سازی، تولید و تجارت مینهای ضد نفر و منع استفاده و نابود سازی آنها
- ۱۹۹۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری
- ۲۰۰۰ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد کودکان سرباز

این نکته را نباید از نظر دور داشت که وقوع برخی درگیری های مسلحانه بر توسعه و تکامل حقوق بین الملل بشردوستانه تاثیر بسیار داشت. مثلاً "استفاده از سلاحهای شیمیایی و گازهای سمی و بد رفتاری با اسرا در جنگ

جهانی اول زمینه تصویب معاهدات ۱۹۲۵ راجع به منع کاربرد گازهای خفه کننده و سمی و کنوانسیون ۱۹۲۹ راجع به رفتار با اسرای جنگی را فراهم آورد و تصویب کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ پاسخی به فجایع جنگ جهانی دوم بود. (عباسی، ۱۳۹۶، ۳۶)

در حقوق بشر دوستانه بین المللی اصول ذیل را می توان به عنوان اصول اساسی دو نظر گرفت.

الف- اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض

منظور از این اصول آن است که با همه انسان ها باید رفتاری انسانی و بدون هر گونه تبعیض ناشی از جنسیت، ملیت، نژاد، مذهب، یا عقاید سیاسی بگیرد. در این زمینه مواد ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۲ ماده ۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این باره آمده است که باید با افراد انسانی رفتاری انسانی و عدم تبعیض می باشد. (ناصرزاده، ۱۳۹۲، ۱۵)

ب- اصل محدودیت

معنای این اصل آن است که استفاده از سلاح هایی که آسیب های غیر ضروری با جراحات بیش از حد لزوم وارد نمایند ممنوع است.

ج- اصل ضرورت نظامی

هر فعالیت نظامی باید بر اساس دلایل نظامی توجیه شده باشد، فعالیتی که فاقد ضرورت نظامی باشد ممنوع است. این بدان معنا می باشد که حمله به غیر نظامیان و کسانی که خارج از صحنه قرار دارند ممنوع است. زیرا با این کار هیچ مزیت نظامی به دست نمی آید. هم چنین ه اقدامی و عملی که بر حسب ضرورت برای انهدام و نابود اموال دشمن به عمل آید، باید با قواعد مربوط به تمایز و تناسب مطابقت داشته باشد. (عباسی، ۱۳۹۶، ۳۷)

د- اصل تفکیک

در این اصل باید بین افراد و اموال نظامی و افراد و اموال غیر نظامی تفکیک ضرورت گیرد. از آنجایی که حمله به افراد و اموال غیر نظامی ممنوع است. نتیجه تفکیک آن است که از این افراد و اموال حمایت لازم به عمل خواهد آمد.

ر- اصل تناسب

در این اصل، صدمات اتفاقی ناشی از یک جمله در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و قطعی که از آن حمله انتظار می رود، نباید بیشتر باشد. دیوان بین المللی دادگستری نیز در ارتباط با اصول حاکم بر ابزارها و سلاح های جنگی در پاراگراف ۹۰ رای مشورتی ۱۹۹۶ خود در مورد کاربرد سلاح های هسته ای اعلام کرد که دو اصل تفکیک و تناسب و اصول اساس حقوق بشر دوستانه می باشند. (مدرس سبزواری، ۱۳۹۲، ۳۸)

ی- اصل حسن نیت

در این اصل آمده است که هر گونه مذاکره میان طرفین متخاصم اصل حسن نیت باید رعایت شود.

اجرای حقوق بین المللی بشر دوستانه یکی از وظایف اصلی صلیب سرخ و هلال احمر می باشد. جمعیت های ملی، به ویژه برای پیش برد اجرای حقوق بشر دوستانه در کشورهای خود ایجاد کنند. نقش جمعیت های ملی در همکاری با دولت های خود برای رعایت حقوق بین المللی بشر دوستانه و حمایت از صلیب سرخ و هلال احمر به رسمیت می شناسند. (مصفا، ۱۳۹۵، ۳۲)

اجرای حقوق بشر دوستانه، عبارت است از مجموعه اقداماتی که دولت ها هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ برای تضمین اجرای تعهدات حقوق بین المللی بشر دوستانه به عهده دارند. که این موارد و اقدامات به شرح ذیل اعلام می گردد:

۱- جلوگیری از جنایات جنگی

۲- حمایت از علایم صلیب سرخ و هلال احمر

۳- حمایت از تضمینات اساسی

۴- نصب مشاورین حقوقی در نیروهای مسلح خود

۵- اشاعه حقوق بین الملل بشر دوستانه. (نبوی فرد، ۱۳۹۵، ۳۲)

مبانی و جایگاه حقوق بشر دوستانه

در اینجا رابطه اصول حقوق بشر دوستانه و اصول مشترک حقوقی ملت های متمدن و اصول فرعی و جزئی ناشی از منابع حقوق بشر دوستانه (معاهده، عرف، رویه قضایی و اندیشه حقوقی)، را به طور خلاصه بیان می شود. الف) مکتب های حقوق طبیعی و فطری، مکتب حقوق طبیعی، به اندیشه های حقوقی گفته می شود که بر اساس و مبنای حقوق را در محدود و قلمرو الهیات، طبیعت، عقل و اخلاق جستجو می شود.

حقوق فطری، در مقابل و برابر حقوق وضع شده بکار می برند، حقوق وضع شده مجموع قواعدی است که در زمان معینی، و بر ملت معینی و مشخصی اجرا می شود. اما حقوق فطری به قواعدی گفته می شود که برتر از اراده حکومت و غایت مطلوب انسان است. (عباسی، ۱۳۹۶، ۸۷)

افلاطون، اعتقاد دارد که واقعیات را به طور کلی سایه ای کم رنگ از حقیقت والا داشته و معتقد بود که اشیای این جهان چهره واقعی در سرزمین حقیقت دارند، و کسانی که تربیت فلسفی پیدا کنند می توانند به آن سرزمین گام نهند. عدالت هم حقیقی دارد که تنها حکیم به آن دسترسی دارد. و در جامعه ای حاکم است که فیلسوفان بر آن حکم رانند. ارسطو در کتاب اخلاق عدالت آرمانی استاد را نمی پذیرد و عدالت را به طبیعی و قانونی تقسیم می کند. عدالت طبیعی در همه جا یکسان است و ارتباطی به عقاید اشخاصی و قوانین حاکم ندارد، اما عدالت قانونی وابسته به زمان و مکان و احکام قانون می باشد. پس ارسطو حقوق را به حقوق طبیعی و قانونی تقسیم می کند. و از طرفی رومیان هم حقوق را به سه دسته و گروه تقسیم می کردند. (ملک محمدی نوری، ۱۳۹۲،

۸۸)

الف) حقوق مدنی، که ویژه حقوق شهروندان و جامعه معینی است.

ب) حقوق بشر که برای تمام انسان‌ها در زمان معینی می‌باشد و باید برای خارجیان هم رعایت شود.
ج) حقوق طبیعی که آرمانی و جاودانه است.

در دین زرتشت ارزش‌های عقلی به هم آمیخته شده و قانون‌خدایی با قانون طبیعی یکی است، کنش قانونی با راستی و داد یگانه است، آدمی باید خود را با راستی رفتار کند تا خوشبخت شود. زرتشت در آغاز با نیروی خود به رازهای هستی پی برد و آفریننده یگانه جهان را به دلیل عقل شناخت، سپس به نیروی دیگری افزون بر خود دست یافت و آن وجدان و دانایی بود. او با نیروی خود و وجدان و از راه اشراق درخشش خداوند را دید. (فرهنگ، ۱۳۹۳، ۱۴)

او حرکت تاریخ را پیکار خوبی و بدی و چیرگی خوبی بر بدی و جاودانگی خوبی‌ها و یکرنگی و هماهنگی می‌داند. در مذهب مسیح حقوق فطری و طبیعی ناشی از اراده خداوند و احاطه او بر جهان دانسته شده و حقوق ناشی از اراده اوست. در همین رابطه می‌توان گفت: سن توماس داکو فیلسوف مذهبی قرن یسزدهم میلادی (۱۲۲۵-۱۲۷۴) با ترکیبی از عقل و ایمان، قوانین را به سه دسته تقسیم نموده است.

۱- الهی؛ ۲- فطری یا طبیعی؛ ۳- بشری

قوانین الهی بی‌واسطه از طریق وحی وضع شده است، کسی در آن دخل و تصرفی ندارد... قوانین طبیعی یا فطری، جلوه و نشانه‌ای از مشیت و خواست الهی است که بشر آن را به نیروی عقل به دست می‌آورد و آن را می‌یابد. اما قوانین بشری زاده و طراوش فکر انسان می‌باشد و برعکس دو نوع قبلی (الهی و طبیعی یا فطری) از منبعی پائین‌تر از حقوق فطری بهره‌مند می‌شود. این قوانین برای حفظ نظم عمومی ممکن است برخلاف قوانین فطری باشند، ولی مخالفت با قوانین الهی نابخشودنی است. (رستمی، ۱۳۹۱، ۹۱)

حقوق بشر دوستانه در اسلام، در اسلام اگر کلیه اصول و قواعد حقوق طبیعی و فطری را در برابر حقوق وضع شده دولت قرار بدهیم به شکل و نحو کلی حقوق اسلامی یک نوع حقوق فطری و طبیعی است که از منبع فیض الهی و مستقلات عقلی نشأت گرفته و حاوی اصول اخلاقی و عقلی است که رهبران و حاکمان سیاسی و قضایی را در قید و بند خدا کشیده است، تا برخلاف عدالت سرمدی کامی برندارند، با این بیان حقوق اسلامی در گروه حقوق فطری و طبیعی قرار دارد ولی اگر در حوزه حقوق فطری و طبیعی، قواعد حقوقی را به الهی و فطری و عقلی تقسیم کنیم مانند همان صورتی که فیلسوفان مسیحی بیان کرده‌اند در قلمرو و حیطة حقوق فطری مورد گفتگو و بیان قرار می‌گیرد. خداوند براساس اصول عدالت عمل می‌کند و اداره خداوند عین عدالت است و هیچ لزومی ندارد که براساس عدل خارجی باشد. «اما در دوران معاصر و از سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی رفته، حقوق فطری بیشتر متکی به دلایل عقلی و فلسفی و جامعه‌شناختی و اصول عملی گردید. برای اصول و قواعد حقوق فطری دلایل عقلی و عملی بیشتر ارائه کرده‌اند، در این خصوص، گروسوسی در کتاب مبانی حقوق بین‌المللی عمومی حقوق را قاعده می‌داند که عقل سلیم با فطرت اجتماعی او سازگار می‌بیند، به اعتقاد او حقوق طبیعی قواعدی است که عقل آنها را موافق طبیعت اجتماعی انسان می‌داند. (حسین نژاد، ۱۳۹۳، ۹۳)

این قواعد حتی اگر خدائی نباشد باز هم وجود دارد. چون انسان موجودی است غافل و اجتماعی، ولی حقوق ارادی یا از اراده خداوند می باشد یا اراده بشر و حقوق بین الملل نیز قدرتش را از اراده دولت می گیرد. گروسیوس حقوق طبیعی را بر حقوق موضوعه مقدم می داند، زیرا حقوق طبیعی بر کلیه اراده های ملت ها و دولت ها تحصیل می شود و روابط آنها را تنظیم می کند. پس حقوق طبیعی را برون ذاتی، یعنی بیرون از ادراه ها و حقوق ارادی را درون ذاتی می داند.

اصل کرامت ذاتی انسان به عنوان محور حقوق طبیعی و حقوق بشر دوستانه پذیرفته شده است. بنابراین اندیشه های روسو و دیگران در رویه نظامی جنگ های پس از انقلاب کبیر فرانسه و معاهدات بشر دوستانه بوده و از قواعد عرفی و معاهدات بشر دوستانه از تفکرات فیلسوفانه و انسان محوری آنان نشات گرفته است. بنابراین اگر اعمال ضد انسانی در معاهدات بین المللی به صورت آشکار و صریح ممنوع نشده باشد و این اعمال به منزله مباح بودن آنها هم نمی باشد. این مطلب در شرط مرسوم به شرط مارتیز تزار نیکلای دوم در کنفرانس لاهه اعلام شد، که در مقدمه کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون چهارم ژنو و پاراگراف دوم ماده ۱ پروتکل اول به کنوانسیون های ژنو چنین آمده است (در مواردی که به موجب این معاهده یک پروتکل) یا دیگر موافقت نامه ها بین المللی عمل خاص پوشش داده نشده است، شهروندان و نظامیان تحت حمایت و حاکمیت اصول حقوق بین الملل ناشی از عرف (اثبات شده) انسانیت و حکم ندای وجدان عمومی خواهند بود. (حسینی، ۱۳۹۲، ۱۰۱)

ب: حقوق بشر دوستانه در پرتو مکاتب حقوقی، در این خصوص می توان گفت: اندیشه حقوق فطری در قرن بیستم متأثر از اندیشه های تحقیقی و جامعه شناختی و تاریخی و اندکی کم فروغ گردید. به خصوص در حقوق بین المللی، حقوق ارادی (معاهده و عرف) جایگاه نخست و اول منابع حقوق را به خود اختصاص دادند. مکتب های مختلف تاریخی و جامعه شناختی و تحقیقی همه در افکار اصول حقوقی طبیعی و تکیه بر واقعیت های اجتماعی هم صدا هستند.

الف: مکتب حقوق فطری و طبیعی با سابقه تاریخی درخشان در ساختن قواعد حقوق داشته است. امروزه به محدود حقوق تبدیل گردیده، مانند اصل وفای به عهد که همان فرم های حقوق فطری می باشند.

مکتب جامعه شناسی حقوقی هر چند که از روش شناسی علوم طبیعی به علم پرداخته است. ولی این مکتب نتایجی همانند حقوق فطری بدست داده اند. مثل، تئوری همبستگی و احساس عدالت و منبع الهام بخش حقوق را مذهب می داند که در این زمینه لئون دوگی می گوید: «پیش از مسیحیت تمدن به معنای واقعی خود وجود نداشت، دین مسیح به انسان می فهماند که وجود و ارزش هر کس به روابطی است که او با دیگران پیوند می دهد. مسیح اعلام می کند که هر چه انسان با هم نوع خود مهربانتر و نزدیکتر شود، ارزش و انسانیت او افزودنی خواهد یافت.» (عمرانی، ۱۳۹۲، ۱۱۱)

ب: مکتب حقوق ارادی با تمام تلاش هایی که در ایجاد نظم حقوق به عمل آورده، نشان داده است که بدون پشتیبانه عدالت، بشریت را به نظام های استبدادی و قربانی کردن حقوق فطری و طبیعی انسان ها هدایت می کند. در مکتب حقوق ارادی، نظم منهای عدالت به استعدادها و جنبه های روحی انسان سرکوب می شود.

ج: از منظر جامعه شناسی حقوقی، می گوید، وقتی جامعه را مبنای الهام بخش حقوق و حقوق زنده را دل اجتماع تلقی کنیم، مجموع های قوانین را بدون مطالعه پدیده های اجتماعی جامعه را ناکام می داند، باید دانست که جامعه جهانی تمام اوصاف یک جامعه انسانی را دارد. در این خصوص می توان گفت: امروزه در همه قوانین کشورها نشانه های جرم سازی جنایات ضد بشری را کمابیش مشاهده کرد. و این مکتب قسمتی از واقعیت ما را بیان کرده اند و هیچ کدام نمی توانند تمام حقیقت را بیان کنند. (مظاهر پور، ۱۳۹۵، ۱۱۱)

کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹

کنوانسیون ژنودر سال ۱۸۶۴ به موضوع بهبود شرایط مجروحان در میدان های نبرد محدود شد، اما از آن پس دهها معاهده و سند بین المللی با مضامین حقوق بشردوستانه به تصویب دولتها رسید که کنوانسیون های چهارگانه ژنو نیز از جمله آن موارد می باشند.

این کنوانسیون ها به شرح زیر می باشند.

قرارداد (اول) ژنو برای بهبود شرایط مجروحین و بیماران نیروهای مسلح در میدان نبرد (۱۲ اوت ۱۹۴۹).

قرارداد دوم ژنو برای بهبود شرایط مجروحان، بیماران و کشتی شکستگان نیروهای مسلح در دریا (۱۲ اوت ۱۹۴۹)

قرارداد (سوم) ژنو مربوط به رفتار با اسرای جنگی (۱۲ اوت ۱۹۴۹).

قرارداد (چهارم) ژنو مربوط به حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ (۱۲ اوت ۱۹۴۹).

پروتکل (دو) الحاقی به قراردادهای چهارگانه ژنو مربوط به حمایت از قربانیان درگیریهای مسلحانه غیر بین المللی (۸ ژوئن ۱۹۷۷). (احمدی، ۱۳۹۶، ۷۶)

۱-۲-۳- زمینه اجرایی کنوانسیون های چهارگانه ژنو

کنوانسیون های ژنو و پروتکل های آن ر مورد جنگ اعلام شده یا هر مخاصمه دیگری بین دو یا تعداد بیشتری از طرفین کنوانسیون و پروتکل اول از آغاز چنین وضعیتی اعمال میشود، حتی اگر یکی از طرفین مخاصمه از طرف یکی از آنها به رسمیت شناخته نشده باشد. این موافقت نامه ها مخاصمات مسلحانه ای که علیه تسلط استعمار و اشغال توسط بیگانگان و نظام های نژاد پرستانه در اعمال حق تعیین سرنوشت خود میجنگند، را نیز در بر

میگیرد. انتقام گیری و نقض قوانین در برابر هرگونه نقض و در جهت متوقف کردن آن، علیه مجروحین، بیماران، کشتی شکستگان، غیر نظامیان، اموال فرهدگی ممنوع است. این اقدامات فقط نسبت به متخاصمین مجاز است. (مودی، گرایلی، ۱۳۹۵، ۱۲)

هدف کنوانسیون های ژنو حمایت از قربانیان به نحوی است که باید دور از هرگونه فشار برای صرف نظر کردن از حقوقشان قرار گیرند. بهمین دلیل است که این اشخاص در هیچ شرایطی از تمام یا بخشی از حقوقی که بوسیله کنوانسیون ها و پروتکل برایشان در نظر گرفته شده، چشم پوشی نمیکنند. اشخاص مزبور پرسنل پزشکی نظامی و غیر نظامی و مجروحین، بیماران و کشتی شکستگان، اسیران جنگی، بازداشت شدگان غیر نظامی، اشخاص مقیم در سرزمین های اشغالی و خارجیان کشور درگیر جنگ می باشند.

اصل عدم چشم پوشی حقوقی را در بر میگیرد که از قربانیان جنگ حمایت میکند. (مواد ۷ کنوانسیونهای ۱، ۲، ۳، ماده ۸ کنوانسیون ۴ و ماده ۱ پروتکل اول)

برای تضمین کنوانسیون های ژنو طرفین درگیر در جنگ باید با هم همکاری کنند و نظارت مقامات حمایت کننده را مثلاً کشور های بیطرفی که برای تضمین منافع طرفین درگیر مخاصمه در کشور دشمن منصوب شده اند را بپذیرند. اگر چنین منصب هایی تعیین نشده باشد، کمیته بین المللی صلیب سرخ به کشورهای درگیر در مخاصمه کمک میکند تا مقامات حمایت کننده را معرفی کنند (کنوانسیون ۱، ۲، ۳، ماده ۸، کنوانسیون ۴ ماده ۹، پروتکل ۱ ماده ۵). (مودی، گرایلی، ۱۳۹۵، ۱۲)

عهدنامه مربوط به بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردو کشی

نمایندگان مختار دولتهای شرکت کننده در کنفرانس سیاسی که از ۲۱ آوریل تا ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در شهر ژنو به منظور تجدید نظر در قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخمیداران و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردو کشی مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۴۹ تشکیل یافته نسبت به مراتب مشروحه زیر توافق نمودند (Kerbrat. ۱۹۹۵, ۹۸).

الف: مقررات عمومی

ماده ۱- دولتهای معظمه متعاهد تقبل مینمایند که این قرارداد را در هر مورد رعایت نموده و به موقع اجرا گذارند

ماده ۲- علاوه بر مقرراتی که باید در زمن صلح به وقوع اجرا گذاشته شود.

این قرارداد در صورت جنگ رسمی یا هر گونه مخاصمه مسلحانه که بین دو یا چند دولت از دول معظمه متعاهد روی دهد به موقع اجرا گذارده خواهد شد ولو آن که یکی از آن دول وجود حالت جنگ را تصدیق نکرده باشد این قرارداد در هر مورد که تمام یا قسمتی از خاک یکی از دول معظمه متعاهد اشغال شود نیز به موقع اجرا گذاشته

خواهد شد ولو آنکه اشغال مزبور با هیچ گونه مقاومت نظامی مواجه نشده باشد. هرگاه یکی از دول متخاصم عضو این قرارداد نباشند دولتهای متخاصم دیگر که در این قرارداد شرکت کرده اند در روابط متقابل خود تابع این قرارداد خواهند بود و چنانچه آن دولت مقررات این قرارداد را قبول و اجرا کند در مقابل او نیز ملزم به اجرای این قرارداد خواهند بود (D. Garcia-Pena Jaramill. ۲۰۰۰, ۲۶۵).

ماده ۳- چنانچه نزاع مسلحانه جنبه بین المللی نداشته باشد و در خاک یکی از دول معظمه روی دهد هر یک از متخاصمین مکلفند که لاقلاً مراتب ذیل را رعایت نمایند.

۱- با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند به انضمام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته باشند یا کسانی که به علت بیماری یا زخم یا اسارت یا هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند باید در همه احوال بدون هیچ گونه تبعیضی که ناشی از نژاد رنگ عقیده جنس اصل و نسب یا ثروت یا هر علت مشابه آن باشد با اصول انسانیت رفتار شود اعمال ذیل در مورد اشخاص مذکور بالا در هر زمان و در هر مکان ممنوع است و خواهد بود (T.Meron. ۱۹۹۵, ۹۸).

۲- الف- لطمه به حیات یا تمامیت بدنی منجمله قتل به تمام اشکال آن زخم زدن رفتار بیرحمانه شکنجه و آزار

۳- ب- اخذ گروگان

۴- ج- لطمه به حیث اشخاص منجمله تحقیر و تحریف

۵- د- محکومیت و اعدام بدون حکم دادگاهی که صحیحاً تشکیل شده و جامع تضمینات قضایی که ملل متمدن ضروری می دانند باشد (طاهری جلی، ۱۳۹۰، ۶۵).

۲- زخم‌داران و بیماران باید جمع اوری و پرستاری شوند یک دستگاه نوع پروری بیطرف مانند کمیته بین المللی صلیب سرخ می تواند خدمات خود را به متخاصمین عرضه دارد گذشته از مراتب فوق متخاصمین سعی خواهند کرد تمام یا قسمتی از سایر مقررات این قرارداد را نیز از طریق موافقتنامه های مخصوص به موقع اجرا گذارند اجرای مقررات فوق اثری در وضع حقوقی متخاصمین نخواهد داشت (S.R.Ratner. ۱۹۹۸, ۸۷).

۳- ماده ۴- دولتهای بیطرف نیز مقررات این قرارداد را در باره زخم‌داران و بیماران و افراد کارکنان بهداری و مذهبی متعلق به نیروهای مسلح متخاصمین که در خاک کشورشان پذیرفته یا بازداشت میشوند و همچنین در باره مردگان به موقع اجرا خواهند گذاشت.

ماده ۵- در مورد اشخاص تحت حمایت این قرارداد که به دست دشمن بیفتند این قرارداد تا زمان اعاده قطعی آنان به میهنشان اجرا خواهد شد.

ماده ۶- علاوه بر موافقتنامه هایی که صریحاً در مواد ۲۸-۲۳-۱۵-۱۰-۳۷-۳۶-۳۱- پیشبینی شده دولتهای معظمه متعهد می توانند موافقتنامه های اختصاصی دیگری نیز در باب هر مسئله که حل آن را

اختصاصا مقتضی بدانند منعقد سازند هیچ موافقتنامه اختصاصی نمی تواند به وضع زخممداران و بیماران و همچنین به وضع افراد و کارکنان بهداری و مذهبی به نحوی که به موجب این قرارداد معلوم گردیده لطمه وارد آورده و یا حقوقی را که این قرارداد به آنان اعطا کرده تقلیل دهد زخممداران و بیماران و همچنین افراد کارکنان بهداری و مذهبی در تمام مدتی که این قرارداد شامل آنان می باشد از مزایای آن موافقتنامه ها برخوردار خواهند بود مگر آن که در موافقتنامه های مزبور یا در موافقتنامه های بعدی صریحا مقرراتی مغایر آن منظور شده باشد و یا اقدامات مساعدتری در باره آنان به توسط یکی از دول متخاصم اتخاذ گردیده باشد.

ماده ۷- زخممداران و بیماران و همچنین افراد کارکنان بهداری و مذهبی نمی توانند در هیچ حالی از تمام یا قسمتی از حقوقی که این قرارداد یا احیانا موافقتنامه های اختصاصی موضوع ماده قبل درباره آنان تامین نموده صرف نظر کنند.

ماده ۸- این قرارداد با معاضدت و تحت نظارت دول حامی که مامور حفظ منافع دول متخاصمند اجرا خواهد شد برای این منظور دول حامی می توانند علاوه بر مامورین سیاسی یا کنسولی خود نمایندگانی از میان اتباع خود یا اتباع دول بیطرف دیگر تعیین نمایند. تعیین نمایندگان مزبور باید مورد پذیرش دولتی قرار گیرد که نمایندگان نزد آن دولت انجام وظیفه خواهند کرد دولتهای متخاصم به وسیعترین وجهی در انجام وظایف مامورین یا نمایندگان دول حامی مساعدت خواهند کرد مامورین یا نمایندگان دول حامی نباید در هیچ حال از حدود ماموریت خود به نحوی که از این قرارداد مستفاد میشود تجاوز نمایند مخصوصا باید ضروریات عالی امنیت دولتی را که نزد آن انجام وظیفه می نماید رعایت نمایند تنها مقتضیات عالی نظامی ممکن است به طور استثنا و موقت مجوز محدود ساختن فعالیت آنان شود (طاهری جبلی، ۱۳۹۰، ۶۷).

ماده ۹- مقررات این قرارداد با فعالیتهای نوع پروانه که کمیته بین المللی صلیب سرخ یا هر دستگاه بشر دوست بیطرف دیگری برای حمایت زخممداران و بیماران و همچنین افراد کارکنان بهداری و مذهبی و برای کمک به آنان با موافقت دول متخاصم ذیربط به عمل آورد مانعته الجمع نخواهد بود.

ماده ۱۰- دول متعاهد می توانند در هر موقع بین خود ترتیبی دهند که وظایفی را که به موجب این قرارداد به عهده دول حامی محول است به دستگاهی که واجد تضمینات بیطرفی و کارآمدی باشد محول سازند هر گاه بعضی از زخممداران و بیماران یا افراد غیر نظامی چون کودکان و زنان و کارکنان بهداری و مذهبی به علتی از علل از فعالیت یک دولت حامی یا دستگاهی که به موجب بند اول تعیین شده باشد برخوردار نباشند یا برخوردار بوده ولی دیگر برخوردار نشوند دولت نگهدارنده آنان باید از یک دولت بیطرف یا یکی از آن دستگاهها درخواست نماید که وظایفی را که به موجب این قرارداد به عهده دول حامی که از طرف دول متخاصم تعیین میشوند محول است بر عهده گیرد. چنانچه بدین طری بتوان حمایت

لازم را تامین نمود دولت نگاهدارنده باید از یک دستگاه نوع پروری مانند کمیته بین المللی صلیب سرخ تقاضا نماید وظایف و وظایف نوع پروانه را که به موجب این قرارداد به عهده دول حامی محول است بر عهده گیرد و یا باید خدمات نوع پروانه ای را که از طرف چنین دستگاهی عرضه می شود با قید و شرط مقررات این ماده قبول کند هر دولت بیطرف یا هر دستگاهی که توسط دولت زیربسط برای منظور فوق دعوت شود یا خدمات خود را عرضه دارد باید در فعالیت خود متوجه مسئولیت خویش در قبال دولت متخاصم که افراد مورد حمایت این قرارداد وابسته آند بده و تضمینات کافی بدهد که قادر است وظایف مزبور را عهده دار گردد و بیطرفانه انجام دهد تخلف از مقررات فوق به اتکای هیچ موافقتنامه اختصاصی بین دولتها که یکی از آنها ولو به طور موقت در قبال دولت دیگری یا در قبال متحدین خود به علت وقایع نظامی منجمله در صورت اشغال تمام یا قسمت مهمی از خاک آن از حیث آزادی مذاکرات محدود شده باشند مجاز نیست در هر جا که این قرارداد عنوان دولت حامی ذکر شود عنوان مزبور ناظر بر دستگاه‌های که بر طبق منوق این ماده جانشین دولت حامی است نیز می‌باشد. (طاهری جلی، ۱۳۹۰، ۶۸).

ماده -۱۱ در هر موردی که دول حامی از لحاظ منافع اشخاص تحت الحمايه مفید بدانند منجمله در صورت بروز اختلاف بین دول متخاصم درباره اجرا به تفسیر مفاد این قرارداد دول حامی برای حل اختلاف وساطت خواهند کرد. برای این منظور هر یک از دول حامی می‌توانند بنا بر دعوت یکی از دول عضو قرارداد یا راسا به دول متخاصم پیشنهاد نمایند که جلسه از نمایندگان خود و بالاخص از دولتهایی که عهده دار سرنوشت زخم‌داران و بیماران و افراد مامورین بهداری و مذهبی میباشند عنداللقضاء در خاک بی طرفی که به مناسبت انتخاب شده باشد تشکیل دهند دول متخاصم مکلفند به پیشنهادهای که در این زمینه می‌رسد ترتیب اثر دهند دول حامی می‌توانند در صورت اقتضا یکی از شخصیت‌های یک کشور بیطرف یا یک مامور عالی مقام را که از طرف کمیته بین المللی صلیب سرخ ماموریت یافته باشد برای تصویب به دول متخاصم پیشنهاد نمایند که در جلسه مزبور شرکت کند.

ب) در باب زخم‌داران و بیماران

ماده ۱۲ اعضا نیروهای مسلح و سایر اشخاص مذکور در ماده ذیل که مجروح یا بیمار شوند در همه احوال مورد احترام قرار گیرند دولت متخاصمی که آنان را در اختیار خود دارد باید بدون هیچ گونه تمایز ناشی از جنس و نژاد و ملیت و مذهب و عقاید سیاسی یا هیچ جهت دیگری آنها را در مورد معالجه و پرستاری قرار دهد هر گونه دست درازی به حیات شخص آنان منجمله قتل محتضران قتل عام و شکنجه و اجرای آزمایش‌های بیولوژی در باره آنان و رها کردن آنان بدون کمک پزشکی یا پرستاری با سبق تصمیم و یا قرار دادن آنان در معرض مخاطرات سرایت یا ابتلای امراض که آن مخاطرات عمدا برای همین منظور ایجاد شده باشد اکیدا ممنوع است تقدیم نوبت معالجه فقط به علل طبی مجاز است با زنان با کلیه

احترامت خاصی که لازمه جنس آنها است رفتار خواهد شد دولت متخاصمی که مجبور شود زخمیداران و بیماران را برای طرف متخاصم خود رها کند باید تا حدی که مقتضیات نظامی اجازه دهد قسمتی از مامورین بهداشتی و لوازم طبی خود را برای معالجه آنان باقی گذارد.

ماده ۱۳- این قرارداد در باره زخمیداران و بیماران وابسته به طبقات ذیل مجری خواهد شد

۱- اعضای نیروهای مسلح دولت داخل در جنگ و همچنین اعضا قوای چریک و دسته های داوطلب که جزو نیروهای مسلح مزبور باشند.

۲- اعضای سایر چریکها و اعضا سایر دسته های داوطلب به انضمام نهضت های مقاوم متشکل متعلق به یک متخاصم که در خارج یا در داخل خاک خود مشغول عمل باشند ولو که آن خاک مذکور اشال شده باشد مشروط بر این که چریکها یا دسته های داوطلب به انضمام نهضت های مقاومت متشکل مزبور جامع شرایط زیر باشند.

الف- در راس آنها شخصی باشد که مسئول اتباع خود باشد.

ب- دارای علامت مشخصه ثابتی باشند که از دور قاب تشخیص باشد.

ج- علنا حمل اسلحه نمایند.

د- در عملیات خود بر طبق قواعد و رسوم جنگ رفتار کنند.

۳- اعضای نیروهای مسلح منظم که خود را وابسته به دولت یا مقامی اعلام کرده باشند که توسط دولت دستگیر کننده شناخته نشده باشد.

۴- اشخاصی که همراه نیروهای مسلح می باشند بی آنکه مستقیماً جزو آن نیروها باشند از قبیل اعضای کشوری طیارات نظامی - خبرنگاران جنگی - تهیه کنندگان اجناس - اعضای واحدهای کار یا خدمت که عهده دار رفاه نظامیانند مشروط بر این که از نیروهای مسلحی که همراهی می کنند کسب اجازه کرده باشند.

۵- اعضا به انضمام فرماندهان و ناخدایان و شاگردان بحریه بازرگانی و اعضا هواپیمایی کشوری که به موجب مقررات حقوق بین المللی از معامله مساعدتری بهرمنند نیستند.

۶- نفوس اراضی اشغال شده که هنگام نزدیک شدن دشمن بی آنکه فرصت متشکل شدن به صورت نیروهای مسلح منظم داشته باشند از تجالا اسلحه به دست می گیرند مشروط بر این که علنا حمل اسلحه نمایند و قوانین و رسوم جنگ را رعایت کنند. (طاهری جلی، ۱۳۹۰، ۶۸).

ماده ۱۴- با توجه به مقررات ماده فوق زخمیداران و بیماران یک دولت متخاصم که بدست طرف میافتند اسیر جنگی بوده و قواعد حقوق بشر مربوط به اسیران جنگی درباره آنان معتبر خواهد بود (دلبر؛ ۱۹۶۴:

ماده ۱۵- دولتهای متخاصم در هر حال و مخصوصا پس از شروع جنگ باید بدون فوت وقت تدابیر ممکنه را برای جستجو و جمع آوری زخممداران و بیماران اتخاذ نمایند و آنان را از چپاول و بدرفتاری حفظ کنند. و پرستارهای لازم را برای آنان تامین نمایند و همچنین مرده ها را پیدا کنند و نگذارند کسی اشیای آنها را ببرد. هر موقع که اوضاع اجازه دهد طرفین بین خود قرار متارکه یا وقفه آتش یا قرار محلی دیگری خواهند داد که زخممداران میدان جنگ جمع اوری و مبادله و حمل شوند همچنین بین دول متخاصم ممکن است قرار محلی داده شود که زخممداران و بیماران یک ناحیه محاصره شده تخلیه یا مبادله شوند و مامورین بهداری یا مذهبی و لوازم بهداری به مقصد آن ناحیه عبور داده شوند.

ماده ۱۶- دول متخاصم باید در اسرع وقت ممکنه عوامل تشخیص هویت زخممداران و بیماران و مردگان طرف متخاصم را که به دستشان افتاده اند ثبت نمایند. اطلاعات مذکور باید حاوی مطالب ذیل باشند.

الف- تعیین دولت متبوع آنان

ب- صنف نظامی یا شماره

ج- نام خانوادگی

د- نام یا نامهای کوچک

ه- تاریخ تولد

و- هر گونه اطلاعات دیگری که در کارت یا پلاک هویت مندرج باشد.

ز- تاریخ و محل دستگیری یا وفات

۷- ح- اطلاعات مربوط به جراحات و بیماری یا علت فوت اطلاعات فوق باید در اسرع وقت به دفتر اطلاعات موضوع ماده ۱۲۲ قرار داد ژنو مورخه ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به معامله با اسیران جنگی ابلاغ شود و دفتر نامبرده اطلاعات مزبور را به توسط دولت حامی یا به توسط آژانس اسیران جنگی برای دولت متبوعه اشخاص مذکور ارسال خواهد داشت. دولتهای متخاصم اسناد فوت یا صورتهای متوفیات را که رسماً گوهی شده باشد تنظیم و از مجرای مذکور در بند بالا برای یکدیگر ارسال خواهند داشت همچنین نصف پلاک دو بر گه هویت و وصیتنامه یا هر سند دیگری که برای خانواده متفوی اهمیت داشته باشد و وجوه نقدی و به طور کلی تمام اشیایی را که به خودی خود یا به اعتبار علائق محبت قیمتی باشد و روی اجساد مردگان یافت شود جمع آوری و از طری همان دفتر برای یکدیگر ارسال خواهند داشت. این اشیای مجهول المالك در بسته های مهمور به انضمام اظهار نامه

که حاوی کلیه توضیحات لازم جهت تشخیص هویت مالک متوفای آنها باشد ارسال خواهد گردید . صورت کامل محتویات هر بسته باید به ان بسته ضمیمه شود. (طاهری جبلی، ۱۳۹۰، ۶۹).

ماده ۱۷- دولتهای متخاصم مراقبت خواهند کرد که تدفین یا سوزاند اموات تا اکثر حدی که اوضاع اجازه میدهد انفراف صورت یابد و قبلا جنازه ها مورد عاینه دقیق و در صورت امکان معاینه طبی قرار گیرند که از وقوع فوت اطمینان حاصل و هویت آنها معلوم شود و بتوان گزارش آنان را داد نصف پلاک دو برکه هویت و یا ین پلاک در صورتیکه که پلاک ساده باشد (روی جنازه باقی خواهد ماند اجساد را نمی توان سوزاند مگر به علت ضرورت بهداشت و یا به عللی که ناشی از قوانین مذهبی متوفی باشد در صورتی که جسدی سوزانده شود مراتب باید ذکر جزئیات و تعیین علت آن روی سند فوت یا صورت مصدق متوفیات ذکر گردد به علاوه دولتهای متخاصم مراقبت خواهند کرد که مردگان با احترام و در صورت امکان بر طبق اصول مذهبی خود دفن گردند و قبرها علامت متمایزی داشته باشند تا بتوان هر قبری را پیدا کرد و ولتهای متخاصم برای این منظور در بدو شروع مخاصمات رسماً یک اداره قبور تشکیل خواهند داد که عندالافتضا قبرها را بشکافد و هویت اجساد را اعم از هر جایی که دفن شده باشند معلوم کند و احیانا آنها را به کشور اصلی خودشان انتقال دهد. این مقررات در باره خاکستر اجساد نیز معتبر است و اداره قبور باید خاکسترها را نگهداری کند تا زمانی که کشور اصلی اطلاع دهد چه اقدامی مایل است درباره آنها به عمل آید همین که اوضاع اجازه دهد و منتهی تا هنگام ختم مخاصمات ادارات قبور به وسیله دفتر اطلاعات مذکور در بند دوم ماده ۱۶ صورتهای متضمن محل تحقیقی و مشخصات قبور را با ذکر اطلاعات مربوط به مردگانی که در انجا دفن شده اند با یکدیگر مبادله خواهند کرد.

ماده ۱۸- فرمانده نظامی می تواند از همت خیر خواهانه اهالی محل استمداد نماید که زخمیداران و بیماران را جمع آوری و تحت نظارت وی داوطلبانه پرستاری کنند و باید به کسانی که به این استمداد پاسخ دهند حمایت و تسهیلات لازم اعطا نماید طرف متخاصم نیز در صورتی که ان ناحیه را تصرف کند یا بازپس گیرد همان حمایت و تسهیلات را در باره اشخاص مذکور مرعی خواهد داشت فرمانده نظامی باید به اهالی و جمعیتهای امداد ولو در نواحی اشغال شده اجازه دهد زخمیداران و بیماران را از هر ملیتی که باشند ارتجالاً جمع آوری و پرستاری نمایند اهالی کشوری باید زخمیداران و بیماران و بیماران مزبور را محترم شمارند و مخصوصاً هیچ گونه عمل خشونت آمیز بر علیه آنها مرتکب نشوند هرگز هیچ کس نباید به علت پرستاری از زخمیداران و بیماران مورد مزاحمت قرار گیرد یا محکوم شود مقررات این ماده دولتی اشغالکننده را از تکالیفی که در زمینه بهداشتی و اخلاقی در باره زخمیداران و بیماران را بر عهده دارد معاف نمی سازد(دلنیز؛ ۱۹۶۴: ۷۸).

کنوانسیون دوم ژنو مربوط به وضعیت مجروحین، بیماران و کشتی شکستگان نیروهای مسلح در دریا

این کنوانسیون تقریباً شبیه کنوانسیون اول است. تفاوت آنها در این است که کنوانسیون دوم مربوط به وضعیت مجروحین، بیماران و کشتی شکستگان نیروهای مسلح در دریا است اما کنوانسیون اول مربوط به وضعیت آنها در خشکی است. غیر از این مورد اصول بکار رفته در کنوانسیون شبیه هستند و قواعد یکسانی نسبت به اشخاص و اموال تحت حمایت با توجه به شرایط متفاوت موجود در روی زمین و در دریا اعمال میشوند (کنوانسیون ۱ و ۲ ماده ۱۳).

بخش ۲ پروتکل ۱ این حمایت را نسبت به تمام مجروحین، بیماران و کشتی شکستگان بدون توجه به اینکه غیر نظامی باشند یا از اعضای نیروهای مسلح، قابل اعمال میداند (پروتکل ۱ ماده ۸، ۳۴، ۸). (مسائلی، ارفعی، ۱۳۹۳، ۶۵)

تعریف اشخاص تحت حمایت: منظور از عبارات «مجروح» و «بیمار» اشخاص نظامی یا غیر نظامی است که نیاز به مراقبت های پزشکی دارند و قادر به هیچ اقدام خصومت آمیزی نیستند.

منظور از اصطلاح «کشتی شکسته» اشخاصی است که در وضعیت خطرناکی در دریا گرفتار شده اند و هر گرفتاری دیگری در آنها که مانع از اقدام آنها به هر عمل خصومت آمیز میشود.

هر فرد مجروح، بیمار یا کشتی شکسته صرف نظر از اینکه به کدام کشور تعلق دارد باید مورد احترام و حمایت قرار گیرد. باید در تمام وضعیت ها با آنها انسانی برخورد شود و تا جای ممکن و با حداقل تاخیر مراقبتهای پزشکی و حمایت های مربوط به وضعیتشان را دریافت کنند. زنان باید با در نظر گرفتن وضعیت جسمی شان مورد حمایت قرار گیرند. مبارزین مجروح، بیمار یا کشتی شکسته ای که اسیر می شوند، اسیران جنگی میشوند و تا زمان استرداد مشمول مقررات کنوانسیون های ۱، ۲ و ۳ ژنو میباشند. جستجوی مجروحین، جان باختگان و مفقودین: در هر زمان، بویژه بعد از درگیری طرفین مخاصمه باید فوراً از تمام روشهای ممکن برای جستجو و یافتن مجروحین، جان باختگان و کشتی شکستگان استفاده کنند. (مودی، گرایلی، ۱۳۹۵، ۱۳)

گزارش و انتشار اطلاعات: طرفین مخاصمه باید مشخصات مجروحین، بیماران و جان باختگانی که در اختیار آنهاست، را تاجایی که در دسترس باشد مانند تابعیت آنها، شماره ملی، نام و نام خانوادگی، تاریخ تولد، محل اسارت و چگونگی اقدام ارتکاب یافته بوسیله آن شخص گزارش کنند. این اطلاعات باید در اسرع وقت در دیوان اطلاعاتی که در کنوانسیون سوم برای ارسال اطلاعات به طرف مخالف در نظر گرفته شده است، بویژه از طریق سازمان مرکزی ردیابی کمیته بین المللی صلیب سرخ (CTA منتشر شوند) (۱۶ کنوانسیون ۱، ۱۹ کنوانسیون ۲). (مسائلی، ارفعی، ۱۳۹۳، ۶۵)

کنوانسیون سوم ژنو مربوط به رفتار با اسرای جنگی

وضعیت اسرای جنگی بوسیله ماده ۴ کنوانسیون سوم و ماده ۴۳ و ۴۴ پروتکل تعیین میشود. اصل کلی این است: هر عضوی از نیروهای مسلح طرف محاصمه یک مبارز است و هر مبارز در صورتی که بوسیله طرف مقابل دستگیر شود یک اسیر جنگی است (۴ کنوانسیون ۳، ۴۳ و ۴۴ پروتکل).

۱. حمایت از اسرای جنگی

در رابطه با اسرای جنگی اصل اینست که آنها در اختیار دشمن هستند اما باید در تمام اوضاع و احوال مورد احترام باشند (۱۲ و ۱۴ کنوانسیون ۳).

با زنان باید با توجه به جنسیتشان رفتار شود و باید از حداقل رفتاری که با مردان میشود برخوردار باشند. بنا بر این اسرای جنگی باید از اهلیتی که در زمان دستگیری داشته اند همچنان برخوردار باشند. با وجود محدودیت های تحمیل شده از طریق اسارت، آنها باید همچنان از حقوق مدنی مطابق با قانون کشورشان برخوردار باشند (۱۴، کنوانسیون ۳).

کشور بازداشت کننده مسئولیت زندگی و رفاه اسرا را به عهده دارد. زنان و کودکان زیر پانزده سالی که اسیر میشوند باید مورد احترام و توجه خاصی قرار گیرند و در برابر هرگونه ضرب و جرحی مورد حمایت قرار گیرند. دیگر اطلاعات در مورد اعمال این اصول در سر تیرهای زیر قرار میگیرند. (۱۷۶ و ۱۷۷ پروتکل):

حق داشتن پناهگاه (۲۵، کنوانسیون ۳)

غذا (۲۶ و ۲۸ کنوانسیون سوم)

لباس (۲۷ کنوانسیون سوم)

بهداشت و مراقبت های پزشکی (۳۱، ۳۰، ۲۹ کنوانسیون سوم)

انتقال (۴۸، ۴۶، ۱۲ کنوانسیون سوم)

اسرای جنگی تنها به کشوری که طرف کنوانسیون است و بعد از اینکه کشور بازداشت کننده موافقت کرده که کشور مربوطه میخواهد و میتواند کنوانسیون را اعمال کند منتقل می شوند. (نبوی فرد، ۱۳۹۵، ۵۴)

شرایط اخلاقی و روانی بازداشتگاه: کنوانسیون تنها مربوط به شرایط فیزیکی بازداشتگاه نیست. بسیاری از مواد مربوط به وضعیت اخلاقی و روانی بازداشتگاه می باشند. آنها تنها با مذهب، فعالیت های فکری و ورزشی سروکار ندارند ریا، بلکه به فعالیت هایی که برای حفظ عزت نفس آنها لازم است و مانع از خستگی و بطالت آنها میشود، نیز ارتباط دارند. در اعمال این اصول، کنوانسیون مقرراتی را در مورد مسائل زیر بیان میکند:

مذهب (۳۴،۳۵) کنوانسیون سوم)

فعالیت های فکری و ورزشی (۳۸) کنوانسیون سوم)

کار (۵۱،۵۷،۵۰،۴۹) کنوانسیون سوم)

دارایی و درآمد (۶۱،۶۲،۶۰،۵۹،۲۸،۱۸) کنوانسیون سوم)

مکاتبه (۷۶،۷۴،۷۱) کنوانسیون سوم)؛ اسرای جنگی باید بدون هزینه پستی حق ارسال و دریافت نامه داشته باشند.

کمک: اسرای جنگی باید حق دریافت کمک داشته باشند. این کمک ها میتواند فردی یا جمعی باشد. اما کنوانسیون کمک های قابل توزیع میان تمام زندانیان را ترجیح میدهد (۷۲، کنوانسیون سوم).

محموله های کمکی از صادرات، فروش و استفاده های مانند آن معاف هستند (۷۴،۷۵، کنوانسیون سوم). (نبوی فرد، ۱۳۹۵، ۵۴)

انضباط: برای تضمین انضباط هر کمپ اسرا تحت نفوذ یک مامور منصوب از طرف کشور بازداشت کننده قرار می گیرد. (۳۹، کنوانسیون سوم)

این مامور باید کاملاً با مفاد کنوانسیون و مقررات پروتکل آشنا باشد. متن کنوانسیون و پروتکل ممکن است به زبان زندانیان به کمپ نیز ارسال شود (۴۱،۴۰، کنوانسیون سوم، ۸۳ پروتکل اول). (نبوی فرد، ۱۳۹۵، ۵۵)

فرار یا تلاش برای فرار: کنوانسیون مواد بسیاری در ارتباط با فرار یا تلاش جهت فرار دارد. مجازات در برابر فرار ممنوع شده است. ممکن است علیه کسانی که فرار میکنند از سلاح استفاده شود اما این استفاده ها صرفاً به عنوان آخرین دستاویز بکار گرفته شوند (۹۳،۹۲،۹۱،۴۲، کنوانسیون سوم). (مودی، گرایلی، ۱۳۹۵، ۱۳)

ضمانت اجراها: کنوانسیون مقرر میدارد اسرای جنگی تحت حقوق قوانین و ضمانت اجراهای کشور بازداشت کننده هستند (۸۲، کنوانسیون سوم). در تعیین مجازات جزایی یا تادیبی برای اسیری که جرمی مرتکب شده است

کشور بازداشت کننده تضمین میکند مقامات صالح اجرا کننده مجازات، اعمال مجازات تادیبی را به مجازات جزایی ترجیح میدهند (۸۳، کنوانسیون سوم).

دستور مجازات تادیبی تنها توسط فرمانده کمپ یا مامور گماشته او صادر می شود.

مگر در موارد خاصی، مجازات قضایی در دادگاه نظامی تعیین میشود.

لازم به ذکر است که اسیری که مورد رسیدگی قضایی قرار میگیرد، حتی اگر محکوم شود، همچنان مشمول کنوانسیون است (۸۵ کنوانسیون سوم).

مجازات مرگ برای جرائم مستوجب اعدام در نیروهای مسلح کشور بازداشت کننده تعیین میشود دادگاه باید این واقعیات که اسیر تبعه کشور بازداشت کننده نیست و هیچ وابستگی با آن ندارد و در نتیجه اوضاع و احوال خارج از کنترلش در اختیار آن قرار دارد را قبل از صدور حکم مرگ در نظر گیرد (۱۰۰ کنوانسیون سوم). (مودی، گرایلی، ۱۳۹۵، ۱۳)

کنوانسیون چهارم ژنو مربوط به حمایت از افراد غیر نظامی

اصل اساسی این است: در هر مخاصمه مسلحانه حق طرفین در انتخاب ابزارها و روشهای جنگ نامحدود نیست. در قاعده کلی از این اصل ناشی میشود. اولی استفاده از سلاح های جنگی موشک ها و ابزارهایی که موجب وارد شدن صدمات غیر ضروری میشوند را ممنوع میسازد. دومی برای حمایت از جمعیت و اموال غیر نظامی، طرفین مخاصمه را در هر زمانی به متمایز کردن جمعیت نظامی و مبارزین و نیز اموال غیر نظامی و اهداف نظامی متعهد میکند.

تعریف غیر نظامی و اموال غیر نظامی: هر شخصی که عضو نیروهای مسلح نیست یا وضعیتش مشکوک است غیر نظامی شناخته می شود. جمعیت غیر نظامی تمام اشخاصی که غیر نظامی هستند را شامل میشود (۵۰ پروتکل ۱)

اموال غیر نظامی به هر آنچه که با هدف نظامی مورد استفاده قرار نمی گیرد، گفته میشود. بنابراین این تجهیزات نظامی، مسیری که اهمیت استراتژیک دارد، ساختمانی غیر نظامی که تخلیه شده و توسط نظامیان اشغال می شود، اموال غیر نظامی نیستند. در مورد تردید، اموالی که معمولاً برای استفاده های غیر نظامی اختصاص داده میشود، غیر نظامی است و نباید مورد حمله قرار گیرند (۵۲ پروتکل ۱). (مسائلی، ارفعی، ۱۳۹۳، ۶۶)

حمایت از اشخاص و اموال غیر نظامی: ممنوعیت حمله به اشخاص و اموال غیر نظامی شامل هر اقدام خشونت آمیزی است که از روی دفاع یا به عنوان جرم صورت گیرد. حملات یا تهدیداتی که به قصد ارباب جمعیت غیر نظامی صورت گیرد نیز ممنوع شده است (۴۹، ۵۱، ۵۲) پروتکل (۱).

ممنوعیت شامل حملاتی است که بدون تبعیض صورت میگیرند.

انتقال جمعیت غیر نظامی نباید در جهت اهداف نظامی باشد.

حفاظت خاص از اموالی معین: اموال فرهنگی باید تحت حمایت های خاصی باشند. بناهای تاریخی، مکان های عبادی، نباید مورد حمله قرار گیرند یا مورد استفاده نظامیان قرار گیرند (۵۳، پروتکل (۱)). (علیمحمدی، ۱۳۹۰، ۶۵)

پروتکل های الحاقی مربوط به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی

قواعد کلی مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی مربوط به موارد زیر است:

الف. هر وضعیتی که در سرزمین یک کشور بدون تردید خصومت آمیز باشد و میان نیرو های مسلح و گرو های سازمان یافته مسلح صورت گیرد.

ب. وضعیتی که نیروهای مخالف تحت فرماندهی فرمانده ای سازماندهی میشوند و چنین نفوذی را بر بخشی از سرزمین اعمال میکنند..

ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون: ماده ۳ مشترک در هر چهار کنوانسیون نسبت به مخاصمات مسلحانه ای با ویژگی غیر بین المللی اعمال میشود که در سرزمین یکی از کشورهای طرف کنوانسیون رخ میدهد. در چنین مواردی باید با اشخاصی که هیچ نقش فعالی در اقدامات خصمانه نداشته اند، مثل اعضای نیروهای مسلحی که سلاح هایشان را زمین گذاشته اند، به شکل انسانی رفتار کرد.

ماده ۳ که گفته شده به خودی خود یک کنوانسیون کوچک در کنوانسیون بزرگتر است، بیان میکند که چه چیز هایی حداقل رفتار انسانی را تشکیل میدهند. ارتکاب اقدامات زیر علیه اشخاص فوق الذکر باید در هر زمان و مکان ممنوع باشد:

- وارد ساختن لطمه به حق حیات، بویژه قتل عمد از هر نوع آن، قطع عضو، رفتار های ظالمانه و شکنجه

- گروگان گیری

- هتک حرمت و بویژه رفتارهای تحقیر کننده

- تعیین مجازات و اعدام بدون حکم قبلی (مسائلی، ارفعی، ۱۳۷۳، ۶۷)

نتیجه گیری

از آنجا که جنگ در دنیای معاصر جنگی تمام عیار است و حتی یک نبرد چریکی و یا مخاصمه داخلی را نیز شامل می شود، بنابراین حمایت از افراد غیرنظامی امری بسیار ضروری و در عین حال مشکل است. زیرا قربانیان جنگی در روزگار ما بیشتر غیرنظامیان هستند تا اعضای نیروهای مبارز.

آمار و ارقام این امر را به خوبی نشان می دهد: در زمره کل قربانیان جنگی در طی جنگ جهانی اول، افراد غیر نظامی ۵٪، در جنگ جهانی دوم ۵۰٪، در جنگ کره ۶۰٪ و بالاخره در جنگ ویتنام ۷۰٪ بوده اند. این افزایش روزافزون در واقع ناشی از اختلاط و ائتلاف میان افراد غیرنظامی و مبارزان است. در نتیجه تعریف غیرنظامی و حمایت از او مشکل می شود.

می توان گفت در کنار کسانی که در جنگ حضور ندارند و غیرنظامی تلقی می شوند، زخمیان و کشتی شکستگان و بیماران و کارکنان بهداری و مذهبی در حکم غیرنظامی بوده و مورد احترام و حمایت کنوانسیون های چهارگانه ژنو می باشند.

عهدنامه سوم ژنو هر چند تضمیناتی به افراد غیرنظامی اعطاء می کند، اما محدودیتهای دوگانه ای بر آن وارد می سازد.

۱. مقررات عهدنامه جهت حمایت از افراد غیرنظامی در مقابل سلاحهای هوایی یا سلاحهای انهدام فراگیر که خصیصه ویژه ی آنها غیر متمایز بوده آنهاست و بدون تفاوت غیرنظامیان و نظامیان را در مناطق شهری که تمرکز جمعیت در آنها زیاد است، مورد اصابت و صدمه قرار می دهد و قربانیان اصلی آنها افراد غیرنظامی هستند، ناکافی است و مشکل اجرایی به همراه دارد.

۲. طبق ماده ۴ افرادی تحت حمایت این عهدنامه قرار می گیرند که در هر زمان و در صورت در وضعیت مخاصمه بوده و در دست کشور طرف مخاصمه گرفتار باشند و یا نیروهای اشغالگر اتباع آن کشورها نباشند.

بنابراین اصولاً حمایت از افراد غیرنظامی در برابر اراده بی قید و شرط دشمنی که آنان را در اختیار گرفته، اعمال می شود. به جزء موارد استثنایی حمایت مقرر در عنوان دوم اتباع کشورهای متعاقد را در برابر سوء استفاده های ممکنه از جانب کشور متبوعشان در بر نمی گیرد. با این حال، مقررات عهدنامه سوم ژنو با عنوان چهارم (مواد ۴۸ تا ۷۹) پروتکل شماره یک تکمیل شده گام موثری در جهت رفع محدودیتهای مذکور برداشته است.

کنوانسیون ژنو حتی اگر در حمایت از غیرنظامیان منبعی جامع و مانع نباشد، اما این امر بدیهی است که تعهد و اجرای این کنوانسیون همین گونه که هست، توسط دول متخاصم و نیروهای حامی خود مهمترین عامل در راستای ارتقای حقوق غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه خواهد بود، تا جایی که اگر بگوییم کنوانسیونهای ژنو ایجاد کننده رشته ای در علم حقوق به نام حمایت از غیرنظامیان بوده است، سخن به بیراهه نبرده ایم. حمایت از غیرنظامیان در وهله به نظر می رسد که در دوره حین جنگ در طبقه بندی دوره های روابط دول از حیث مخاصمات مسلحانه قرار دارد، اما نمی توان پیش بینی مقررات پیشگیرانه در حمایت از غیرنظامیان در دوره قبل از جنگ را نادیده گرفت.

بطور کلی، در جریان مخاصمات مسلحانه، دو طرف درگیر دو نوع تعهد اساسی را در قبال غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی بر عهده گرفته اند که عبارتند از: تعهدات ایجابی و سلبی.

منابع و ماخذ

منابع و ماخذ

الف: کتب

۱. احمدی، محمد (۱۳۹۶) «حمایت یونیسف از کودکان» دانشگاه تبریز.
۲. بنی عامریان، سمیه، بابازیدی، مهدی هادی (۱۳۹۳) «وضعیت حقوقی مجروحان و بیماران جنگی در مخاصمات مسلحانه» تهران، انتشارات هوشمند تدبیر.
۳. جعفری، سید اصغر (۱۳۹۵) «تحلیل ابزارها و روشهای ممنوعه در جنگ از دیدگاه اسلام و حقوق بین الملل بشر دوستانه» تهران، وزارت امور خارجه اداره نشر.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۲) «ترمینولوژی حقوق» تهران، نشر نی، کتابخانه ی گنج دانش، چاپ هفتم.
۵. حسینی قره تپه، مهرداد، (۱۳۹۵) «بررسی نقش ساختار نظام دوقطبی و جنگ سرد بر آرایش نیروهای سیاسی در ایران» دانشگاه تبریز،
۶. حسینی، ابراهیم (۱۳۹۲) «اصل منع توسل به زور و مواد استثنایی آن در اسلام و حقوق بین الملل معاصر» تهران، دفتر نشر معارف.
۷. حسین نژاد، کتایون (۱۳۹۳) «برگزیده ای از کتاب خدمت و حمایت حقوق بشر دوستانه در عملکرد حرفه ای پلیس» تهران، نشر سیر سپهر.
۸. روسو، ژان ژاک، (۱۳۹۳) «قرارداد اجتماعی» تهران، انتشارات آگه .

۹. شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۹۴) «نظریه های حقوق بشر، حقوق بشر (نظریه ها و رویدادها)» دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۱۰. رستمی، هاجر، (۱۳۹۱) «مجموعه حقوق بین الملل بشر دوستانه پاسخ به سوالات شما به کوشش کمیته بین المللی حقوق بشر دوستانه» تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
۱۱. طاهری جبلی، حامد (۱۳۹۰) «حمایت از غیر نظامیان در جنگها و حفظ صلح» دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۱۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۴) «حقوق بشر دوستانه حقوق بین المللی بشر دوستانه مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق بشر دوستانه بین المللی دانشکده علوم سیاسی» تهران، دانشگاه تهران.
۱۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۱) «حقوق بشر دوستانه و حقوق بین الملل بشر، بررسی تحولات اخیر بشر دوستانه بین الملل» دبیرخانه کمیته ملی بشر دوستانه.
۱۴. عباسی، مهسا (۱۳۹۶) «تعامل حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشر دوستانه در مورد ممنوعیت تبلیغات جنگی» تهران، انتشارات خرسندی.
۱۵. عمرانی، مهوش، خاک پور (۱۳۹۲) «نگرشی بر عملکرد یونسکو» تهران مرکز آمار و برنامه ریزی پژوهش
۱۶. فرهنگ، مهر (۱۳۹۳) «فلسفه زرتشت» تهران، نشر جامی، چاپ پنجم.
۱۷. کمیته ملی حقوق بشر دوستانه ایران (۱۹۷۷) «اشنایی با حقوق بشر دوستانه بین المللی به انضمام قراردادهای چهار گانه ژنو و پروتکل الحاقی ۱۹۷۷» تهران، لیتوگرافی باختر تابستان.
۱۸. مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳)، بحارالنوار، جلد ۹۷، بیروت، دارالحیا تراث العربی.
۱۹. مظاهر پور، محمد (۱۳۹۵) «دعوت به مداخله در مخاصمات مسلحانه داخلی از منظر حقوق بین الملل» دانشگاه تهران.
۲۰. محمود مسائلی، عالیه ارفعی. (۱۳۷۳) «جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل تهران» «موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه.
۲۱. مودی، ملیحه، گرایلی، علی (۱۳۹۵) «بررسی دیدگاه حقوق بین الملل و اسلام پیراموم معاهدات بین المللی در جنگ ایران و عراق» تهران، بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و اجتماعی
۲۲. مدرس سبزواری، ساسان (۱۳۹۲) «جنگ تجاوزکارانه و انسانی شدن حقوق بین الملل» تهران، خرسندی.

۲۳. مسائلی، محمود؛ ارفعی، عالیہ (۱۳۹۳) «جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل» دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم.
۲۴. مصفا، نسرين و دیگران (۱۳۹۵) «مفهوم تجاوز در حقوق بین الملل» مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲۵. ملک محمدی نوری، حمیدرضا (۱۳۹۲) «مفاهیم تعلیق مخاصمات و حالت نه جنگ و نه صلح در حقوق بین الملل» تهران: وزارت امور خارجه.
۲۶. منصوری، فرنگیس (۱۳۹۴) «مسئولیت بین المللی دولتها ناشی از نقض حقوق بشر دوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی با تاکید بر مسئولیت فرا ملی» دانشگاه پیام نور تهران.
۲۷. نبوی فرد، علی (۱۳۹۵) «ارتباط و تاثیر حقوق بشر بر صلح و امنیت بین الملل با تکیه بر بحران سوریه» دانشگاه سمنان.
۲۸. ناصر زاده، هوشنگ (۱۳۹۲) «اعلامیه های جهانی حقوق بشر» تهران، خرسندی.
۲۹. ب: مقاله ها
۳۰. ضیایی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۹۲) «نگرشی اجمالی به حقوق جنگ، مجله حقوقی بین المللی» شماره ۶

منابع لاتین :

۳۱. S.R.Ratner, the Schizophrenias of international criminal law, Texas International Law Journal, vol ۳۳, N.۲, Spring ۱۹۹۸, p.۲۳۷.
۳۲. D. Garcia-Pena Jaramill, humanitarian protection in non-international conflicts: a case study of Columbia, Israel Yearbook on human right, Vol, ۳۰, ۲۰۰۰, p.۱۸۶: F.Kalshoven, op.cit, supra note ۲۵۲, p.۲۶۷.
۳۳. R.Wolfrum, Enforcement of international humanitarian law, the handbook of humanitarian law in armed conflicts, D.Felech (dir.puble), Oxford university Press, p.۵۲۴.
۳۴. T.Meron. War crimes n Yugoslavia and the development of international law, AJIL, ۱۹۹۴, p.۸۰:
۳۵. . Kerbrat, La reference au chapitre VII de la Charte des unies dans les resolution a carctere humanitaire de conseil de securite, LGDJ, Paris, ۱۹۹۵, pp.۸۶-۸۷.